

شعر امروز لرستان



ثریا رشیدی

باتو «ثریا رشیدی» شاعر، نقاش و ورزشکار لرستانی زادهی بروجرود است. از کودکی وبه شکل تجربی نقاشی را موخت و سبک کارهایش بیشتر رئال است و در کنار نقاشی ایشان شعر سپید، هم می‌سرایند. وی در کنار آموزش هنرجویانش در آموزشگاه هنری خود، تصویرسازی داستان کتاب کودک را هم انجام می‌دهد. رشیدی دارای تحصیلات دانشگاهی، فوق دیپلم گرافیک و کارشناسی مدیریت فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی است. وی در رشته ی ورزشی تیراندازی با تپانچه حرفه‌ای بیش از پانزده سال فعالیت داشته و دارای دهها مقام مختلف در کشور و استان و منطقه است.

نمونه ی شعر:

(۱)

ایل کوچید
کبکی می‌پرد از گون‌زاری
خوش
درآیندی سنگ سیاه سرد اجاق
تورامی بینم
که بوی نان داری
صلای مشک
و بلک خروس
در گوش خیالم جاری است
و من مویه می‌کنم
خاطرات خاکستری را
در آستانه‌ای چنین خالی.

(۲)

ملر
باگیس‌های سپید و سیاه پیچیده در هم
مویه می‌کند
دختر پس:
ایل رفت، برگشت ندارد
نه گلنگ‌های رنگی، نه خنا
و نه کسی که بدر قهات کند
باید در تبعید گاهی اجباری
به نگشتان ترک خورده‌ات
خاکستر پاشی
دختر پس
دلش شکسته‌تر از شیشه خورده‌های رنگی
بزرگش
سهم خون بهای شود.

(۳)

میان من و تو،
در آستانه دل‌کش‌های شکسته
قاصدک‌ها گفتند
به پاییز رفتی
و این سوی دیوار چیلجله‌ها آمده‌اند
چه صدای دیوارها را
در هم خواهد شکست؟
(۴)
موج چشمانت گزید بادیست
در آستانه دل‌کش‌های
دعا می‌جینون بر لب
نیست در مسیر تکاپوی،
دل ذرای از جرأت زلیخا
تویا و گر نه در برهوت
تنهایی پلنگ حسرت می‌پرود تا ماه.
(۵)
چشم‌ت حجرالسود کعبه ی من است،
به طواف آمدم
دعای جینون بر لب
نیست در مسیر تکاپوی،
دل ذرای از جرأت زلیخا
تویا و گر نه در برهوت
تنهایی پلنگ حسرت می‌پرود تا ماه.
(۶)
انفرت به عشق
از عشق به نفرت رسیدم!
چه توان سختی بود.

(۷)

می‌ترسم از کوچه‌های تاریک
از آینه‌شده‌های حقیر
که شعله می‌زند به تنم
من سال‌هاست مردم‌دام
شکی نیست
نقش تو را به اجبار کشیدم
می‌بینی شگفت‌انگیزم را در گلو
کفن می‌کنند این تقدیر است
که قصیده‌های درد را به گیس‌هایم می‌بافد.
(۸)
چون قطب جنوب در من،
تاریکی ماندگار است
خی‌ه‌راس از بر آملان خورشید
بخش‌شاد ه‌دم
به پرواز در می‌آیند
در من
پنج‌پان‌های امانی است،
و آتش‌فشان‌ی خاموش
که چون دیو قصه‌ها
روزی از خواب بر خواهد خواست.
(۹)
فوق‌دارم
امایه‌قاصدک‌ها گفتم
این راز به دار آویخته می‌شود
برای نگفتن.

گردآوری ونگارش: لیلاطیپی(رها)

برگی از خاطرات بامداد لرستان

من روزنامه نگاری را به عنوان علاقه ی شخصی ام

انتخاب نکر دم بلکه او بود که مرا انتخاب کرد



اگر مطلب غلط داشت باید اصلاح شده همان کلمه پرینت و با چسب ماتیکی به جای کلمه غلط چسبیداند می‌شد. و باید نهایت دقت را می‌کردیم تا یک مطلب بدون مشکل و غلط از چاپ دربیاید. به عنوان مثال در مصاحبه‌ای با یکی از مسئولین وقت در جمله «بعد از ظهر بهاری خلعت چناب... رسیدیم» که سببش افتاده بود و اگر در دقیقه نود اصلاح نمی‌شد که برای ما داستان می‌شد و بازده ما مورد شنید. نبود مسافر بام تعطیلات و... نشریه با تأخیر می‌رسید.

تولیدی می‌بودند و همه اهل رسانه می‌دانند در آن شرایط جمع آوری ۱۶ صفحه نشریه چه اندازه سخت بود.

بعد از اتمام کار، صفحات را داخل کارتون می‌گذاشتیم و معمولاً چون کار طول می‌کشید دقیقه‌نود با استرس و نگرانی به اتوبوس می‌رفتیم که بعد از چاپ هم گاهی به دلیل پختن‌اند جاده‌ها، باران‌زدگی به مدیریت مسافر بام تعطیلات و... نشریه با تأخیر می‌رسید. و مشکلات بیان می‌کرد که چگونه وزارت ارشاد در دادن رد کام بهر بهیه‌ما سهل‌انگاری نموده و کمک‌انجمنی به مطبوعات نکرده بود. لازم به ذکر است که تقریباً اکثر مطبوعات محلی با یحسان مالی روبرو بودند و یکی پس از دیگری تعطیل می‌شدند که مگر اینکه بعضی از آنها سال انتشار دوم و سوم را می‌گذرانند، در حالی که بیش از ۳۰-۴۰ درصدشان بودند.

بالاخره با تلاش فراوان موفق شدیم اوضاع را تا اندازه‌ای جمع و جور نموده و برای تسویه بدهی‌ها آرام آرام کام برداریم، در این مرحله مقداری از قرض‌های خود را تسویه و اقساط بانک را نیز توانستیم به روز کنیم. پس فعلاً بانک با ما کار نمی‌آمد بعد از آن با ایلده‌ای که مدیر مسئول داشت شروع کردیم او ایلده را برای ما تشریح کرد که البته همه تقریباً مخالف بودیم اما چاره‌ای نداشتیم و توکل بر خدا شروع کردیم.

ابتدا شرکت آب و فاضلاب را انتخاب کردیم برای بستن قرارداد با کسبه‌ها بستند و شیر آبی‌م‌غ هم پرداخت‌شد. وقتی خیالمان را چنانچه این ادارات جمع شد سراغ چاپخانه رفتیم. آنها در صورتی با چاپ نشریه موافقت می‌کردند که تمام بدهی‌ها در اقساط (پانصد هزار تومانی) همراه پرداخت شود. این مبلغ هم برای ما بسیار سنگین بود چون هم‌زمان قرض‌ها که هزینه‌های چاپ هر شماره را هم پرداخت می‌ولی به هر حال چاره‌ای نبود. پس برای اینکه هزینه‌ها کم‌تر شود تصمیم گرفت‌شد تا چاپ نشریه فعلاً از چهار رنگ به دو رنگ تبدیل شود و به این ترتیب هر شماره (صد هزار تومان) یعنی ماهی چهار صد هزار تومان با نفع ما بود و از طرف دیگر رابزنی با بخش خصوصی، شرکت‌ها، مدارس غیرانتفاعی و... به صورت قراردادهای خود و کلان در قیمت‌های کم و زیاد بسته‌شده که صد البته در تمامی مراحل بچه‌های مجموعه نهایت همکاری را داشتند و حتی تا چندین ماه حقوق خود را نمی‌گرفتند.

یوایش یوایش آرایش نسبی به ما روی کرده بود هفته نامه‌های حرف لر و رشید تعطیل شدند و هفته نامه شقایق که با و یک صد میلیون قرض‌ها قرض‌ها به روزنامه تبدیل‌شود نیز تعطیل‌شد. اما ما اراده کرده بودیم تا بمانیم. ساختمانی که در آن ساکن بودیم بسیار فرسوده و کهنه بود و چون قیمت کرایه آن مناسب بود مانده بودیم، اما با مرور زمان چون کرایه را بالا می‌برد در فکر کرایماندن در جای دائم شدیم. وام بانک سیه که (چهار میلیون) بود و بعداً به دوربرابر رسیده بود تصفیه‌شد و توانسته بودیم که اقساط آن را بپردازیم. پس الان با حذف این وام می‌توانستیم در فکر خرید ساختمانی هر چند کوچک برای دفتر باشیم، که آنهم با لطف بانک بنیاد با سود (۲۷ درصد) موفق به خرید آپارتمان برای هفته‌نامه شدیم.

و این آغاز شیرینی برای ۱۰ سال تلاش همه جانبه تمام پرسنل بود. هر چند که اکنون به لطف خدا شمار مطبوعات داخلی و محلی ما تا حد چشمگیری رشد داشته است اما باید اذعان نمود که ما به عنوان اولین هفته‌نامه محلی باشکلات بسیار زبانی و روبرو شدیم که بخشی از آن به تازه بودن اینکار و عدم آشنایی ما با سختی‌ها و پرهزینه بودن کار بود و بخشی نیز به سنگین بودن اصل کار روزنامه نگاری. در پایان از تمامی کسانی که با قلمی قدیمی از ابتدا تا انتها در کنار این هفته نامه بودند. و همواره مارا در این راه همراهی کرده‌اند. به خصوص خانم فاطمه زرین جویی، خدیجه چنگایی، زینب قانع و آقایان حمید رضا شیرین، عظیم شکوری، تیمور احمدوند و یونس شکوری سپاسگزار می‌نموده و قدردان زحمات آنها هستیم زیاده‌شیری- پاییز ۱۳۸۵

از چپگی با روزنامه‌های دیواری مدرسه پیوند خوبی داشتیم و همیشه در این کار پیشقدم می‌شدیم و نهایت سنجیم را برای هر چه بهتر شدن صفحه بکار می‌بردیم و گاهی نیز در سالن‌های مدرسه یا دبیرستان با دقت مطالب مندرج در روزنامه دیواری را می‌خواندیم ولی هرگز فکر اینکه یک روز در مسیر این کار سخت و طاقت فرسا و البته شیرین بیفتیم را نمی‌کردیم.

گوشی تلفن را گذاشتیم و همانجا چپاتمه زدم حرف‌های خانم منشی در گوشم زمزمه می‌کرد که گفت: این آخرین بار است که مشکلات دفتر را به شما می‌گویم، دیگر خود می‌دانی؟! خانم منشی در مدت فعالیت نشریه مرتب مسائل و مشکلات دفتر را برایم تعریف می‌کرد ولی این بار لحشش جدی بود و جنبه تهدید داشت.

چندین بار تصمیم گرفتم بود که نباید اما هر بار به خواهش من می‌ماند. با خود گفتم: چه شده؟ یعنی اینکه اوضاع خراب است؟ باید کاری می‌کردم، اما چه کاری از دست من برمی‌آمد!

آن روز تا غروب را درحالی که در داخل اتاق قدم می‌زدم و فکرمی‌کردم به شب رساندم و در نهایت بعد از کلی کلنجار رفتن با خودم تصمیم گرفتم برای مدت کوتاهی به آنجا بروم و از نزدیک اوضاع را ببینم.

بعد از رسیدن به نتیجه نهایی آرام آرام پلک‌هایم روی هم سنگینی کرد و بیخواب رفتم و با خود فکر کردم بالاخره فردا هم روزی است، چه کسی می‌داند شاید اوضاع به این وخامت نباشد!

پس بعد از زمستان سال ۷۷، بود با هوایی بسیار مطبوع و سرمای دلچسب. پس‌م شدت مرضی بود و نداشتیم و راه دکتر بیرم و سر راهم سری هم به دفتر هفته نامه بامداد لرستان بزم. نشریه خودمان که در ۱۶ تیر ۷۶ مجوز انتشار گرفته و حدوداً ماه‌ان انتشار آن می‌گذشت اما من تا آن روز به دفتر نشریه نرفته بودم.

بطرف کلینیک ولی عصر براه افتادم. دکتر بعد از معاینه مقداری دارو داد و بعد هم به مدرسه سما که در خیابان معلم واقع بود، رفتم و ویرایش دوسه روزم‌رخصی گرفتم و بطرف دفتر بامداد لرستان براه افتادم مدرسه و دفتر هفته نامه نزدیک هم بودند. دفتر در خیابان معلم روبروی بیمارستان باختر بود. ساختمانی که بیشتر مسکونی بود تا اداری. وارد ساختمان شدیم، بوی نم‌شمار را بشدت آزار می‌داد.

در ورودی ساختمان یک اتاق کوچک قرار داشت که بر چسب مدیریت آگهی روی آن به چشم می‌خورد

از پله‌ها بالا رفتم و وارد یک اتاق ۱۲ متری که از آن به عنوان اتاق منشی استفاده می‌شد، شدم. درست چپ یک اتاق بزرگ ۲۴ متری که محل مدیریت و صفحه‌بندی بود و یک اتاق کوچک دیگر که به عنوان انبار استفاده می‌شد.

تراس بزرگ ساختمان هم جایی شده بود برای دورهمی‌های مطبوعاتی. ساختمان بقدری کهنه و فرسوده بود که خود بخود اوضاع و احوال را از آنچه که برایتان نشان می‌داد. خانم منشی به همراه ۴ خانم آنجا بودند که در بدو ورود هم همه شروع به احوال‌پرسی کردند.

بعد از گذشت زمان کوتاهی معلوم شد که بجز خانم منشی بقیه برای واحد آگهی کاری می‌کردند و البته چند تا بوی هم بودند که به عنوان کار آموز آنجا بودند.

در همان لحظات اول آبدارچی به منشی گفت: جای تمام شده که برای فلاتی یعنی من جای بیزید که با برخورد تند خانم منشی رفت و تازمانی که من بودم برگشت آن روز تا ظهر آنجا ماندم و تا وقتی به اوضاع و احوال و تقریباً شاکلی بودن تمام کسانی که آنجا کاری می‌کردند، تصمیم گرفتم که بممان.

از فردا رسماً کارم را شروع کردم. کسانی که در دفتر هفته نامه مشغول به کار بودند منشی، صفحه‌بند، تایپست، حسابدار، آبدارچی و چند نفر نگار و تعداد زیادی بازاریاب.

تایپست خاتم متاهی بود که خیلی هم افسرده و دم‌ن نشان می‌داد. وقتی علت را پرسیدم معلوم شد دو ماه است حقوق نگرفته است، پس اولین سوالی که برایم آمد این بود که آیا درآمدی در کار هست و جایی دیگر هزینه می‌شود یا در کل هزینه هست و درآمد نیست؟

چند روز از این ماجرا گذشت کم‌کم می‌دیدم که اوضاع از آنچه که فکرمی‌کردم خراب‌تر است. بنابراین با مشورت اعضای اصلی تصمیم گرفتم که برای کاهش هزینه‌ها عا‌ذر نیروهای اضافه را بخواهیم و یا توافق با آنها و زمانی که دیدند دفتر حتی قادر به هزینه‌های چاپ هم نیست... مسالمت آمیز آنجا را ترک کردند و رفتند.

پس با این حساب، می‌ماند منشی، تایپست، مدیر واحد آگهی، حسابدار، سرایدار و گرافیک با صفحه‌آراء، من و نیروهای متفرقه‌ای که قبول کردند فعلاً تا رفع مشکلات دفتر حق الزحمه‌ای دریافت نکنند.

مشکلات پیش آمده خیلی زیاد بود. اولاً به دلیل عدم آگاهی مجموعه از هزینه بر بودن کار مطبوعاتی و دوم متأسفانه بعضی از نیروها به اعتمادی که مدیر مسئول به آنها کرده بود سوء استفاده کرده و باعث بوجود آمدن این مشکلات عظیم شده بودند و حتی بعضی از آنها چون آوار و پس و بیه قول خودشان کار بامداد را تمام‌شده می‌دیدند، رفتند و دیگر ما آنها را ندیدیم.

با این حساب کار چاپ رسماً تعطیل شد. چون دیگر چاپخانه برایمان جایش نمی‌کرد و چاپ منوط شده بود به پرداخت بدهی‌های گذشتان حدوداً (نص میلیون تومان) که در آن زمان پول کمی نبود.

از طرفی سازمان تأمین اجتماعی پشت سر هم نسبت به بدهی‌های

اخبار فرهنگی – هنری

آشنایی با استاد محمدعلی ساکی



استاد «محمدعلی ساکی شاعر لرستانی، زاده ی ۲۰ فروردین ماه ۱۳۳۶ خورشیدی در پلدختر است و اکنون در شهر خرم‌آباد ساکن هستند.

ایشان فوق لیسانس مدیریت و دبیر بازنشسته است که در چندین جشنواره ی شعر ملی، منطقه‌ای و استانی برگزیده و تقدیر شده است.

آثار چاپی استاد ساکی:

– رباعی‌های گل دم.

– برای همیشه.

– ترانه‌های لری

نمونه اشعار:

(۱)

غزل

ای بغض فرو خورده ی همزاد صبور ی
تندیس گره خورده ی غمباد صبور ی
آهی و غم آهنگ ترین واژه ی دردی
پژواک خموشانه ی فریاد صبور ی
بگذار که با تو بزم حرف دلم را
در محفل شعر تر آزاد صبور ی
با خنده ی در گریه ی بی وقعه بر آئیم
تا شرح دهم حالت افساد صبور ی
از تنگه ی شب می‌گذم با کمک عشق
این را به تو ملبویم و امداد صبور ی
در کوخ رقم می‌زند امید بر آیم
خوشخوانی در کاخ فرحزاد صبور ی
ایمان به اثر بخشی باران تو دارم
ای بغض فرو خورده ی همزاد صبور ی

(۲)

رباعی

بر حادثه‌های تلخ لبخند بزن

چینی دل شکسته را بند بزن

دریا گر درخت نابار و راست

آن را به انار و سیب پیوند بزن

از دوستی عهد شکن می‌ترسم

از زیست کار بدیدن می‌ترسم

من مار در آستین زبس من پروردم

چون مار گزیده از رسن می‌ترسم

با اینکه کنار هم موازی هستیم

از همدانه و حساب راضی هستیم

پایان من و تو در نهایت وصل است

ما کار گزار نقطه سازی هستیم

کی زندگی بدون امید خوش است

یا ماندن بین ظن و تردید خوش است

در گوش من آفتابگردانی خوش است

شیدایی در سایه ی خورشید خوش است

آغار دومین مرحله طرح ملی «آموزش هنر برای همه» در لرستان



اطلاع رسانی بامداد لرستان

معاون هنری، سینمایی و سمعی بصری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان گفت: دومین مرحله طرح «آموزش هنر برای همه» ذیل فعالیت‌های قرارگاه محوریت‌زایی فرهنگی وزارت فرهنگ در زیر استان آغاز شد.

به نقل از روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان سید غلام‌رضا نعمت‌پور، معاون هنری، سینمایی و سمعی بصری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان در این باره گفت: دومین مرحله طرح «آموزش هنر برای همه» با هدف گسترش عدالت آموزشی‌های فرهنگی و هنری در سراسر کشور به ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته و مرزی آغاز شده است و ثبت نام در این طرح تا ۵ آبان ماه ادامه خواهد داشت. معاون هنری، سینمایی و سمعی بصری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان افزود: این طرح دارای اهداف مهمی در دو بخش کشف و پرورش استعداد های هنری در سراسر استان و توسعه اقتصاد و کسب و کارهای فرهنگی و هنری است که با همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها و همکاری سازمان‌ها و نهادهای ذیربط از جمله سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، قرارگاه مهارت‌آموزی ستاد کل نیروهای مسلح، کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، انجمن‌های فرهنگی و هنری و... اجرامی شود. نعمت‌پور افزود: در اولین مرحله ثبت نام این طرح در لرستان، بیش از ۱۳۰۰ متقاضی در سامانه آموزش هنر ثبت نام کرده بودند که دوره های آموزشی آنها تا پایان شهریور ماه سال جاری بر گزار و گواهی‌های شرکت در دوره برای هنر جوان صادر شده است.

وی با تأکید بر رایگان بودن این طرح اضافه کرد: در این مرحله ۳۵ رشته هنری به صورت عمومی و برای هر استان با تأکید بر احیاء و تقویت هنرهای بومی و محلی بین ۵ تا ۲۵ رشته هنری خاص برای آموزش در نظر گرفته شده است. نعمت‌پور گفت: آموزش‌های ارائه شده در این طرح با استفاده از ظرفیت استادان و مراکز آموزش‌های هنری بر گزار می‌شود و کلاس‌ها در دو سطح مقدماتی و پیشرفته پس از پایان مهلت ثبت نام آغاز خواهند شد. وی افزود: علاقه‌مندان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام در این طرح، به سامانه دفتر برنامه‌ریزی و آموزش‌های هنری به نشانی <http://amoozeshenhonar.farhang.gov.ir> (بخش آموزش هنر برای همه) و یا ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی محل سکونت خود مراجعه کنند.

**داود یاراحمدی؛
رئیس چنین**

میانه میدان آرزوست

این مرد میدان مطلق هستند که تاکنون در کشور و خارج از کشور به عنوان یکی از بهترین مدیران و کارکنان در این کشور شناخته شده‌اند. او در سال ۱۳۸۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۳۸۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۳۸۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۳۸۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۳۸۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۳۸۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۳۹۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۳۹۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۳۹۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۳۹۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۳۹۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۳۹۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۳۹۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۳۹۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۳۹۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۳۹۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۰۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۰۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۰۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۰۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۰۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۰۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۰۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۰۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۰۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۰۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۱۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۱۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۱۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۱۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۱۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۱۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۱۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۱۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۱۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۱۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۲۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۲۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۲۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۲۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۲۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۲۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۲۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۲۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۲۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۲۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۳۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۳۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۳۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۳۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۳۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۳۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۳۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۳۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۳۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۳۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۴۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۴۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۴۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۴۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۴۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۴۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۴۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۴۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۴۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۴۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۵۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۵۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۵۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۵۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۵۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۵۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۵۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۵۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۵۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۵۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۶۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۶۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۶۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۶۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۶۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۶۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۶۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۶۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۶۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۶۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۷۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۷۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۷۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۷۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۷۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۷۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۷۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۷۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۷۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۷۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۸۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۸۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۸۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۸۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۸۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۸۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۸۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۸۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۸۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۸۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۹۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۹۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۹۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۹۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۹۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۹۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۹۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۹۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۴۹۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۴۹۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۰۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۰۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۰۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۰۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۰۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۰۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۰۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۰۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۰۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۰۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۱۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۱۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۱۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۱۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۱۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۱۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۱۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۱۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۱۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۱۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۲۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۲۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۲۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۲۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۲۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۲۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۲۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۲۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۲۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۲۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۳۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۳۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۳۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۳۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۳۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۳۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۳۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۳۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۳۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۳۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۴۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۴۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۴۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۴۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۴۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۴۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۴۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۴۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۴۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۴۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۵۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۵۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۵۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۵۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۵۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۵۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۵۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۵۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۵۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۵۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۶۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۶۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۶۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۶۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۶۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۶۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۶۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۶۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۶۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۶۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۷۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۷۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۷۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۷۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۷۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۷۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۷۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۷۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۷۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۷۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۸۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۸۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۸۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۸۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۸۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۸۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۸۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۸۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۸۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۸۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۹۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۹۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۹۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۹۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۹۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۹۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۹۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۹۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۵۹۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۵۹۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۶۰۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۶۰۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۶۰۲ در تهران متولد شد و در سال ۱۶۰۳ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۶۰۴ در تهران متولد شد و در سال ۱۶۰۵ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۶۰۶ در تهران متولد شد و در سال ۱۶۰۷ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۶۰۸ در تهران متولد شد و در سال ۱۶۰۹ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۶۱۰ در تهران متولد شد و در سال ۱۶۱۱ در تهران مهاجرت کرد. او در سال ۱۶۱۲ در تهران متولد